

دلنوشته وحشی

● وحشی آرام

● آيسان

● طراح: زهرا رمضانى

ست

اطلاعات اثر

دسته بندی: دلنوشته

عنوان: وحشی آرام

نویسنده: آيسان

ژانر: عاشقانه

انتشارات: کافه نویسندگان

شناسنامه‌ی اثر

سطح اثر: محبوب

ناظر: گروه نظارت انجمن

ویراستار: سادات. ۸۲

طراح: زهرا رضانی

کیپست: DANI



cafewriters.xyz

دیباچه:

به بادها بگویید سلام ما را برسانند بر کسانی که مانند وطن ما هستند، اما ما محکوم به تبعید از آنها هستیم.

www.cafewriters.xyz

نگاه خود را به دریای سیاه آسمان سنجاق کردم.

انگار آسمان هم آن آسمان سابق نیست و دمی حالش خوش است و دمی ناخوش.
ماه مانند دخترکی ظریف و لوس پشت ابرها قایم شده است و صدای باران سمفونی
شبانه اهل زمین شده است.

شاید که دل آسمان هم بی‌قرار محبوب است که این‌چنین می‌بارد.

چشم‌های خود را می‌بندم و به یاد شعر شهریار می‌افتم که می‌گفت: «چشم خود بستم
که دیگر چشم مستش ننگرم، ناگهان دل داد زد: دیوانه! من می‌بینمش.»
دوست داشتم جناب شهریار بود و ازش می‌پرسیدم چه‌ها کشیدیم و کس نفهمیدم جز
جان بی‌قرارمان.

نفس‌های عمیق می‌کشم تا بچه قلب کوچکم کمتر بی‌قراری کند اما...
امان از این اماها که نمی‌شود پشتش قطار قطار جمله‌ی قلمبه‌سلمبه ردیف کرد.
حتی نمی‌شود حسی که هست را تعریف کرد، فقط باید سکوت کنی تا مانند بچه‌ای
لج‌باز که برای خواسته‌اش گریه می‌کند و پا می‌کوبد تا به هدفش برسد، گریه کند و
بگوید تا در نهایت ببیند خبری نیست و ساکت شود.

مثل آدمی شده‌ام که آتش گرفته، اگر بایستد، می‌سوزد. اگر بدود بیشتر می‌سوزد. در
ذهن مشوشم در روز و شبم، پشت قلب بی‌قرارم، پشت چشم‌های منتظرم، پشت

نفس‌های عمیقم، پشت همه‌چیزم فقط یک جمله تکرار می‌شد؛ ای کاش در میان همه‌ی چیزهای تلخ زندگیم تو یک حبه قند باشی، شیرین‌تر از عسل و گوارا تر از شیر مادر.

نیاز دارم که اتفاقی برایم بیفتد به حلاوت حضورت و از من بپرسند: «خب بگو ببینم الان چه احساسی داری؟»
و من در جواب بگویم:

«صدقه سر حضورش، سر از پا نمی‌شناسم.»

نمی‌دانم چون به تو فکر می‌کنم باران می‌بارد، یا به تو فکر می‌کنم تا باران ببارد، اما تو جوری در قلبم نشسته‌ای که انگار از اول خانه‌ی تو بوده و به من اجاره دادیش تا زنده بمانم.

و تو وحشی‌ترین آرام جهان هستی. در نهایت سکوت با آن نگاه وحشیت بره‌ی جانم را دریدی و با آن لبخند مظلوم اما طغیانگرت طوفانی در زندگیم کردی که هیئات و هیئات!

ای یوسف زلیخا! قلب من مصر است و تو عزیز آن، ای کاش بودی تا تمام جهان را نذر
چشمانت می کردم، کاش در کنارم بودی و تمام زیبایی های جهان را قربانی لبخند حلوا
و قندت می کردم.

این روزها در آسمان زندگیم کسوف شده، تا به حال کسوف دیده ای؟ می دانی کسوف
چیست؟

ماه جلوی قلب می آید و قلب دیگر نوری
از خودش نمی تاباند.

روز روشن تبدیل به شب تاریک می شود.

ای کاش اگر روزی به زندگیم، حتی به جانم نیاز داشتی بیایی و همه ی آن ها را بگیری.
ای کاش می توانستم همه ی غم های دلت را بگیرم و بگذارم در قلب خودم و همه ی
شادی قلبم را بگذارم در قلبت که غم من هزار برابر شود تا تو خوشحال تر باشی.

ای وحشی آرام من!

ای کاش می دانستی بلا تکلیفی چیست، مرز میان مردن و تراشیدن دلخوشی های موقتی
که بوی نجات می دهند و من را امیدوار می کنند به ادامه دادن، حتی به دروغ، دروغی
که حتی برای چند ثانیه زیباست.

مثلاً من هر روز دل خوشم به آمدنت و حرف زدن با تو یا شاید که باورش سخت باشد که هر لحظه که گوشی خود را در دست می‌گیرم فقط به امید نشانی از توست.

تو نمی‌دانی یک نفر اینجا غرق است در دریای رویایت.
و نمی‌دانی که چیست شب و باران و پاییز، به قول شاعر ما طاقت تیمار دو بیمار نداریم

امروز دلم عجیب هوای بودنت را دارد، در کدام نقطه‌ی سرزمینم ایستاده‌ای که باد بوی خواستنت را در سراسر وجودم پخش کرده و سرزمین دلم...
بیچاره سرزمین دلم در این هوای سرد آتش گرفته است.

من سرزمینی آباد و سبز بودم تا تو را دیدم نگاهت مانند تانک، لبخندت مانند بمب، صدایت مانند هواپیمای جنگی، طرز رفتارت مانند پیاده نظام زرهی به سرزمین دلم حمله کرد.

تو اسرائیل بودی و قلب من فلسطین بی‌پناه.
درختان زیتون قلبم خشکیدند و آبادانی‌های قلبم ویران شدند.
ای غاصب ویرانگر، می‌شود سرزمین دلم را رها کنی؟

نور من!

حتی در تاریکی شب هم وقتی به تو فکر می‌کنم، زندگی پر از نور می‌شود نورهای رنگی و درخشان مانند رنگین کمان بعد از باران.

نور من!

اگر دوست داشتنت درد است، از همین جا سلام می‌کنم بر همه‌ی دردهای جهان.

حال امروزم را جناب سعدی جان وصف کرده‌اند.

"گفتم بینمش مگرم درد اشتیاق ساکت شود، بدیدم و مشتاق تر شدم."

دردانه‌ترین آدم دلم!

شما اگر گل بودی، می‌شدی گل نرگس. اگر رنگ بودید، می‌شدید یاسی‌ترین رنگ جهان و اگر غذا بودید، می‌شدید قرمه سبزی مهمانی مادر بزرگ و اگر حس بودید، می‌شدید خجالت پر از هیجان اولین قرار ملاقات. اگر عطر بودید، می‌شدید بوی عطر خاک خیس خورده.

می‌خواستم به زبان علی‌رضا قربانی بگویم:

تویی تمام ماجرا، اما عقل کوبید بر دهانم. مگر چقدر محالی تو؟!

امروز یک روز معمولی بود اما نه به معمولی هر جمعه، امروز عاشق تر، خوشحال تر و هیجان زده تر از هر روز بودم. در خانه می دویدم، شوخی می کردم، بلندبلند می خندیدم، مهربان تر شده بودم و... .

و همه فکر می کردند حتماً مریخی ها حمله کرده اند و ما را به کره ای دیگر برده اند و یا احتمالاً آسمان و زمین جابه جا شده اند.

و چرا ها و چه شدهایی که با تعجب و با تکرار می پرسیدند.

اما می خواهی بدانی چرا و چه شده بود؟

چون دیشب خوابت را دیده بودم.

ای کاش هیچ وقت صبح نمی شد و من تا آخر عمر در خواب تو می خوابیدم.

اولین باری که دیدمت باخودم گفتم؛ چگونه می شود لبخندش را دید و آن را نبوسید؟

از آن شب هر شب در ذهن عاشقم لبخندت را می بوسم.

تو همان بعد هر زمستانی یک بهاری هستی بودی که زمستانش بود اما هیچ وقت بهارش نیامد.

تو همان شانسی بودی که قرار بود در خانه ی من را بزند و نزد.

همان بهاری که به بزرگ وعده داده بودند با کمبزه و خیار می‌آید ولی هیچ‌وقت نیامد.

تو همان شاهنامه‌ای که قرار بود آخرش خوش باشد و آخرش سوگ سهراب بود.

تو همان یوسف گم‌گشته بودی که هیچ‌وقت به کنعان برنگشت.

به قولِ احسینِ صابین:

«می‌گویند: به هر دَری زدیم قسمت نبود؛ و تو همان قسمتی هستی که به هر دَری

زدیم، نبودی و نشدی.»

www.cafewriters.com

کافه نویسندگان انتشارات دیجیتال کتاب متنی و صوتی

اگر تصمیم دارید کتابتان را چاپ کنید یا به تازگی اثری را شروع کنید و آن را به چاپ برسانید، به مجموعه کافه نویسندگان بپیوندید

✓ نقد و نظارت و راهنمایی رایگان

کافه نویسندگان در راستای نگارش اثری مطلوب به شما یاری می دهد و از ابتدای نگارش یک اثر تا انتهای آن همراه شما خواهد بود. اثر شما در انجمن ما به طور رایگان نقد می شود و شما می توانید با کمک از نقد خود، اثرتان را ویرایش کنید و ایرادها را اصلاح کنید و به این صورت سطح اثرتان را بالا ببرید و شانس بیشتری برای چاپ داشته باشید.

✓ ویراستاری رایگان

اثر شما به صورت رایگان از نظر نگارشی ویرایش می شود و رعایت علائم نگارشی و نکات ویراستاری برای شما یک امتیاز مثبت محسوب می شود. ✓ برگزاری ورکشاپ و کارگاه های آموزشی آنلاین به صورت رایگان در انجمن نویسندگان کافه نویسندگان

شما می توانید به صورت کاملا رایگان در کارگاه های آموزشی با سرفصل های متنوع شرکت کنید و شرکت برای عموم آزاد است، شما می توانید حتی از ۰ شروع کنید و در انجمن کافه نویسندگان آموزش ببینید و اثرتان را به چاپ برسانید.

✓ مشاوره های رایگان

ما برای تمام مراحل از نگارش کتاب تا چاپ و تولید آن به صورت رایگان به شما مشاوره خواهیم داد. ما با مشاوره سعی خواهیم کرد بهترین نتیجه را از اثر خود بگیرید.

✓ در کافه نویسندگان هرگز دلسرد نخواهید شد!

اگر اثر شما جهت چاپ تایید نشود، کتاب شما به صورت رسمی در سایت اصلی به صورت دیجیتال منتشر خواهد شد. خبر خوب این است که می توانید نسخه ی فروشی با قیمت توافقی خودتان را هم در فروشگاه اینترنتی کافه نویسندگان انتشار دهید و به آسانی فروش اثر خود را کنترل کنید.

✓ نیازی به پرداخت هزینه ی بالای کاغذ ندارید.

با توجه به هزینه ی بالای کاغذ و چاپ، انتشار الکترونیک بهترین گزینه است اما ما در کنار انتشار الکترونیک، چاپ رایگان هم برای شما عزیزان خواهیم داشت.

فکر آن که خودتان برای چاپ کتاب خرج کنید را از سرتان بیرون کنید، چرا که انتشاراتی که به هزینه ی نویسنده اثری را چاپ می کنند منجر به فروش نرسیدن آثار و جمع آوری کتاب ها در انباری و ضرر و زیان می شود، ما با مشاوره و راهنمایی سعی می کنیم همه چیز به نفع شما تمام شود و در کافه نویسندگان ریسکی نخواهید کرد.

✓ اعتماد و اطمینان

اثر شما در انجمن ما محفوظ می باشد و اگر اثری را به ما می سپارید دست ما امانت است، انجمن کافه نویسندگان به تمامی حقوق نویسنده احترام می گذارد و آنان را رعایت می کند. توجه داشته باشید که سودجویان از آثار شما سو استفاده نکنند که سارقان ادبی نیز کم نیستند اما خوشبختانه در کافه نویسندگان می توانید اثرتان را با خیال راحت به دست ما بسپارید تا با اسم خودتان چاپ یا منتشر شود.

✓ مجوز رسمی از فرهنگ وزارت ارشاد اسلامی

تمامی فعالیت های مجموعه کافه نویسندگان به صورت قانونی و زیر نظر وزارت ارشاد اسلامی صورت می گیرد.

✓می توانید استعلام بگیرید!

در صفحه ی اصلی سایت و فروشگاه، قسمت پایین صفحه می توانید با کلیک بر روی نماد ها، استعلام معتبر بودن مجوز هارا مشاهده کنید.

✓قرار داد با بهترین ناشران

ما با بهترین ناشران و معتبر ترین های کشور جهت چاپ رایگان آثار شما قرار داد بسته ایم. ما آثارتان را جهت چاپ برای انتشاراتی ها ارسال می کنیم و در راستای بهترین نتیجه و به ثمر رساندن تلاش هایتان همراه شما خواهیم بود.

✓ما با توجه به نوع اثر و ژانر و محتوا، طبق شناخت انتشاراتی را جهت چاپ انتخاب می کنیم که با توجه به موارد ذکر شده شانس بیشتری داشته باشید، برای مثال یک انتشارات بیشتر رمان های اجتماعی چاپ می کند، اگر اثر شما اجتماعی بود اثرتان را به آن انتشارات ارسال می کنیم.

✓ نویسنده‌گی و چاپ در تمام زمینه‌ها

فعالیت انجمن نویسندگی ما محدود به رمان دنوشته و شعر نیست بلکه کتاب های علمی ادبی، دینی، روانشناسی، داستانی، خودیار، سفرنامه، خاطره نویسی، زندگینامه، داستان های کودکان و... تمامی زمینه های نویسندگی و کتاب فعالیت دارد.

"کافه نویسندگان بهترین گزینه برای به ثمر رساندن تلاش هایتان"

کافه نویسندگان به طور قانونی آثار نویسندگان را انتشار می دهد.

در صورت تمایل به انتشار هر گونه اثر در مجموعه کافه نویسندگان به صورت متنی یا صوتی، با ما در ارتباط باشید.

شما می توانید اثر خود را به ایمیل پشتیبان ارسال کنید تا پس از بررسی های لازم منتشر شود.

[/https://forum.cafewriters.xyz](https://forum.cafewriters.xyz) : انجمن 

[/https://www.cafewriters.xyz](https://www.cafewriters.xyz) : وبسایت 

@cafewriters.xyz : اینستاگرام 

support@cafewriters.xyz : ایمیل پشتیبانی 

ID: @cafewriters_xyz 

۰۹۹۱۸۸۹۵۵۶۰ 

پایان..